

دعای شریف ابو حمزه ثمالی

به همراه ترجمه

توضیح: دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل شده و در سحرهای رمضان خوانده می شود، اما می توان آن را در هر زمان دیگری نیز قرائت کرد. در این صفحه، متن دعا همراه با ترجمه روان فارسی ارائه شده است.

شایان ذکر است که هم علامه طهرانی و هم فرزند ایشان، آیت الله سید محمد محسن طهرانی، این دعا را شرح داده اند. برای دسترسی به شرح، به لینک های زیر مراجعه بفرمایید:

[- کتاب شرح فقراتی از دعای ابو حمزه ثمالی - اثر علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی](#)

[رضوان الله علیه](#)

[سخنرانی های شرح دعای ابو حمزه ثمالی - بیانات آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی](#)

[رضوان الله علیه](#)

[کتاب آموزه های معرفت - شرح دعای ابو حمزه ثمالی - آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی](#)

[طهرانی رضوان الله علیه](#)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ

ای معبود من! مرا با عقوبتت ادب مکن

وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ

و مرا گرفتار حيله و مکررت منما

مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوَجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ

مرا از کجا خیر و صلاح باشد؟! در حالی که جز نزد تو یافت نمی شود!

وَمِنْ أَيْنَ لِي النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

و مرا از کجا نجات و رستگاری باشد؟! و حال آنکه جز به تو حاصل نمی شود!

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

نه آن کس که نیکی می کند، از کمک و رحمت تو بی نیاز است

وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و نه آن کس که بدی کرده و با تو گستاخی می نماید

و تو را از خود راضی نمی سازد، از دایره قدرتت بیرون آمده است!

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ... (حتی ينقطع النفس)

ای پروردگار من! ای پروردگار من! ای پروردگار من!

(تا آنکه نفس قطع شود)

بِكَ عَرَفْتُكَ

من تو را به وسیله خودت شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

و تو هستی که مرا به خودت رهنما شدی

وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ

و به سوی خودت خواندی!

وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

و اگر تو نبودی من نمی دانستم که تو چه هستی.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي

حمد و ستایش اختصاص به آن خدایی دارد

که او را می خوانم و او فوراً اجابت می کند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي

هرچند هنگامی که مرا می خواند، کندی و سستی می کنم!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي

و حمد و ستایش خدایی را

که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید

وَإِنْ كُنْتُ بِخِيَالٍ حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

هرچند بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

و حمد و ستایش خدایی را

که هر وقت بخواهم برای رفع حاجتم صدایش می‌زنم

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ

و برای رازونیز هر جا بخواهم با او خلوت می‌کنم

بی‌آنکه شفيعی در میان باشد

فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

[پس به راحتی با او خلوت می‌کنم]

و او حاجتم را برآورده می‌سازد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ

حمد و ستایش خدایی را که غیر او را نمی‌خوانم

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را اجابت نمی‌کرد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ

و حمد و ستایش اختصاص به خدایی دارد

که به غیر او امید ندارم

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

که اگر به غیرش امید می‌بستم

نامیدم می‌نمود

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي

و حمد و ستایش خدایی را

که حامی و تکیه‌گاه من بود و چنین مرا گرامی داشت

وَلَمْ يَكُنْ لِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّنُونِي

و مرا به مردم وانگذاشت تا که خوارم سازند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

و ستایش اختصاص به خدایی دارد

که با من محبت و دوستی ورزید در حالی که از من بی نیاز بود!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي

و ستایش خدایی راست

که در برابر خطا و لغزشم بُردباری می کند

حَتَّى كَانَتِي لَا ذَنْبَ لِي

تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست!

فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي

پس پروردگار من ستوده ترین موجود، نزد من است

وَأَحَقُّ بِحَمْدِي

و به ستایش و حمد من سزاوارتر می باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً

بارالها! من راه هر خواسته و تقاضایی را به سوی تو باز می بینم

وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً

و چشمه های امید به سوی تو را سرشار احساس می کنم

وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً

و یاری جستن از فضل تو را، برای آرزومندان مباح و آزاد می یابم

وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً

و درهای دعا و نیایش به سوی تو را

برای خروشدگان به درگاہت باز می بینم

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ

و می دانم که تو برای امیدواران در محلّ اجابتی

وَاللَّمْهُوفِينَ بِمَرْصِدِ إِغَاثَةٍ

و برای دل سوختگان، در کمین نشستہ ای تا یاری شان کنی!

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ

و [می دانم که] پناہندگی و استغاثہ به جود و کرمّت

و رضایت مندی از قضایّت،

عَوَضاً مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ

بهترین جایگزین است برای مضایقه بخیلان

وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْتِرِينَ

و هم گشایش و بی نیازی است

از آنچه در دست دنیاطلبان است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

و [آگاهم که] مسافر به سوی تو

راهش کوتاه و مسافتش نزدیک است

وَأَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ

و [می دانم که] تو از بندگان خویش در پرده نیستی

إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ

جز آنکه کردار ناشایست،

آنان را از تو [محروم ساخته و] مانع گشته است

وَقَدْ فَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي

و همانا من با خواسته ام آهنگ تو نمودم

وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

و با حاجتم، به تو روی آوردم

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي

و استغاثه و تضرع را فقط به درگاه تو قرار دادم

وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي

و فقط به دعای تو متوسل شدم

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

بی آنکه شایستگی داشته باشم که به من گوش فرا دهی

وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي

یا بی آنکه تو را الزام کنم که از من درگذری!

بَلْ لَثَقْتِي بِكَرَمِكَ

بلکه [تو را می خوانم] به خاطر اعتمادم به کرمّت

وَسُكُونِي إِلَى صِدْقٍ وَعَدِكَ

و آرامش و اطمینانی که به درستی و عدهات دارم

وَلَجَّأِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ

و پناهی که به ایمان به توحیدت جستم

وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرَكَ

و یقینی که داشتم که تو مرا می شناسی که غیر از تو پروردگاری ندارم

وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و هیچ معبودی جز تو نیست

وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

که تو یگانه ای، و شریک و انبازی نداری

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ

بارالها! تو چنین فرمودی و گفتارت حق است و وعده‌ات درست
(وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ) ^۱ (إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) ^۲

[که فرمودی:]

﴿از خداوند فضل و بخششش را بخواهید﴾

﴿به درستی که خداوند به شما مهربان و رحیم است﴾

وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

و ای آقای من، از صفات و منش تو نیست

که بندگان را به درخواست امر کنی، و آن‌گاه که از تو بخواهند دریغ ورزی

وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ

در حالی که تو با عطای فراوان بر اهل مملکت خویش تفضل می‌نمایی

وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنِنٍ رَأْفَتِكَ

و با مهر و رأفتت به آنها توجه می‌کنی.

إِلَهِي رَبِّبْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا

خدایا! در کودکی مرا در میان نعمت‌ها و احسان خویش پروریدی

وَنَوَّهْتَ بِإِسْمِي كَبِيرًا

و در بزرگی، نامم را گرامی داشتی

فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ

پس ای کسی که مرا در دنیا با احسان و تفضل و نعم خود پرورید

وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ

و در آخرت به عفو و بخشش خود نوید داد

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ

ای مولای من! شناخت من، راهنمای من به سوی توست

وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

و عشق و محبتم به تو، شفیع من به پیشگاه توست

وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

و من به این دلیل و راهنمایم [که معرفت من به توست] اطمینان دارم زیرا به پشتوانه راهنمایی تو بوده

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ

و قلب من از برای این شفیع آرام است که شفاعتش نزد تو پذیرفته است.

۱. آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء

۲. آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ

ای آقای من! تو را با زبانی می‌خوانم که گناه، آن را لال و الکن نموده است!

رَبِّ أَنْجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أُوْبَقَهُ جُرْمُهُ

پروردگار من! با قلبی با تو نجوا می‌کنم که جرم و جنایتش آن را میرانده و هلاک نموده است!

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً رَاجِئاً خَائِفاً

پروردگارا! تو را می‌خوانم در حالی که هم هراسان و هم مشتاقم، و هم امیدوار و هم ترسانم.

إِذَا رَأَيْتَ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرِغْتُ

مولای من! چون گناهانم را می‌نگرم، می‌ترسم

وَإِذَا رَأَيْتَ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

و چون کرمت را می‌بینم به طمع می‌افتم!

فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ

پس چنانچه [مرا] ببخشی بهترین رحم‌کنندگانی

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ

و اگر عذابم نمایی [هرگز] ستم ننموده‌ای!

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِثْنَائِي مَا تَكَرَّرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ

خداوند! حجّت من جود و کرم توست که با وجود کارهای زشتم باز جرئت می‌ورزم و از تو درخواست

می‌نمایم

وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

و با اینکه حیات من کم است، توشه‌ راهم در سختی‌ها، عطوفت و مهربانی توست

وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ دَيْنٍ وَدَيْنٍ مُنِيَّتِي

و امید دارم که در میان این دو و این دو، آرزویم را نومید نسازی

فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي

پس امیدم را محقق ساز و دعایم را بشنو

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکنندگان او را می‌خوانند!

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای برترین کسی که امیدواران به او امید دارند!

عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي

ای سید و آقای من! آرزویم بسیار است ولی کردارم ناپسند

فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي

پس، از عفو خویش، به اندازه آرزویم عطا کن!

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي

و مرا به بدترین کردارم مؤاخذه نفرما!

فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ

زیرا کرمت بیشتر از آن است که بخواهی گنهکاران را مجازات نمایی

وَحِلْمَكَ يَكْتَبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

و حلم و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مقصرین را مکافات فرمایی

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَانِدٌ بِفَضْلِكَ

و ای آقای من، من به فضل تو پناه آورده‌ام

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از تو، به سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و آن وعده‌ای که دادی که بگذری از گناه آن کسانی که گمان نیکو به تو دارند، من نسبت به آن وعده،

باورمند و پیگیر هستم

وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي

پروردگارا، من چه هستم و چه جایگاه و ارزشی دارم؟! [که هیچم و به حساب نمی‌آیم!]

هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

مرا به فضل خویش ببخش، و با عفو تو بر من تصدق نما و منت گذار!

أَيُّ رَبِّ جَلَّنِي بِسِتْرِكَ

ای پروردگار من، پرده عفو تو را بر من بیوشان!

وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به کرامت و بزرگواری رویت، از توبیخ من درگذر!

فَلَوْ أَطَّلَعُ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتُهُ

که اگر امروز غیر تو بر گناهم آگاه می‌شد، آن را مرتکب نمی‌شدم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنِبْتُهُ

و اگر می‌دانستم و می‌ترسیدم که مرا به خاطر گناهم فوراً عقوبت می‌نمایی، هرگز گناه نمی‌کردم!

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَأَخْفُ الْمُطَّلَعِينَ

نه از این رو که تو کمترین نظاره‌کنندگان به من و بی‌مقدارترین مطلعان هستی

بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ

بلکه بدین جهت که تو ای پروردگار من، بهترین پرده‌پوشانی

وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و نیکوترین حاکمانی

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

و بزرگواری‌ترین بزرگواری

سَتَّارُ الْغُيُوبِ

پوشانندهٔ عیب‌هایی

عَفَّارُ الذُّنُوبِ

آمرزندهٔ گناهانی

عَلَّامُ الْغُيُوبِ

دانای نهان‌هایی

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ

گناه را به کرم خویش می‌پوشانی

وَتُوخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

و عقوبت را به حلم و بردباری خویش تأخیر می‌اندازی

فَاِنَّ الْحَمْدَ عَلَىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

[پرودرگارا] پس ستایش مخصوص توست که با آنکه [گناهم را] می‌دانی، بردباری می‌کنی!

وَعَلَىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

و با وجود آنکه قدرت [بر مجازات] داری، می‌بخشی!

وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرِنُنِي عَلَىٰ مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي

و آنچه مرا به سوی گناه سوق می‌دهد و جرئت می‌بخشد، همانا حلم و بردباری تو نسبت به من است

وَيَذْعُونِي إِلَىٰ قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ

و آنچه مرا به بی‌شرمی می‌خواند، پرده‌پوشی و ستاریت توست

وَيُسِّرْ عَنِّي إِلَىٰ التَّوْبَةِ عَلَىٰ مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ

و آنچه مرا برای ارتکاب گناهان شتابان می‌کند، همانا آگاهی‌ام به وسعت رحمت تو و بزرگی بخشش

توست

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ

ای خدای بردبار! و ای آقای کریم!

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای همیشه زنده! ای قوام تمام هستی!

يَا غَافِرَ الذَّنْبِ

ای آمرزندهٔ گناه!

يَا قَابِلَ التَّوْبِ

ای توبه‌پذیر!

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ

ای آنکه منت و نعمتش عظیم است!

يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ

ای آنکه فضل و احسانت دیرینه است!

أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلُ

[بارالها!] کجاست پرده پوشی زیبای تو؟!

أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ

کجاست عفو و آمرزش با جلالت تو؟!

أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبُ

کجاست فرج و گشایش نزدیک تو؟!

أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ

کجاست فریادرسی سریع تو؟!

أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ

کجاست رحمت و اسعه تو؟!

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ

کجاست عطاهای برتر تو؟!

أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِينَةُ

کجاست موهبت های گوارای تو؟!

أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّيِّئَةُ

کجاست لطف های والای تو؟!

أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمُ

کجاست فضل و کرم عظیم تو؟!

أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ

کجاست عطای بسیار و چشم گیر تو؟!

أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ

کجاست احسان دیرینه تو؟!

أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ

کجاست کرم تو، ای کریم!

بِهِ *وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ*** فَاسْتَنْقِذْنِي**

به حق کرمت و به حق محمد و آل محمد، پس نجاتم ده!

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي

و به حق رحمتت پس رهایی ام بخش!

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ

ای احسان کننده و ای زیبا کردار!

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

ای نعمت‌دهنده و ای خدای با فضل و کرم!

لَسْتُ أَتَكَلُّ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

من برای نجات از کیفرت به اعمالمان تکیه و اعتمادی ندارم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم!

لَأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

چرا که تو سزاواری که خلق از تو [و کیفرت] بترسند و همچنین تو سزاوار بخششی!

تُبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا

نعمت‌ها را با احسان خود بر ما شروع می‌کنی

وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

و با بزرگواری از گناهان درمی‌گذری

فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

بنابراین نمی‌دانیم که شکر کدامین نعمت را به‌جا آوریم؟

أَجْمِيلُ مَا تَنْشُرُ

آیا بر زیبایی‌هایی که منتشر می‌نمایی شکر گوئیم؟

أَمْ قَبِيحُ مَا تَسْتُرُ

یا بر زشتی‌هایی که می‌پوشانی؟

أَمْ عَظِيمُ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ

یا بر نعمت‌های عظیمی که برای آزمایش ما بخشیدی و عطا نمودی؟

أَمْ كَثِيرُ مَا مِنْهُ نَجَيْتَ وَعَافَيْتَ

یا به‌خاطر بلاهای بسیاری که ما را از آنها نجات دادی و عافیت بخشیدی؟

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

ای محبوب دل آن کسی که به تو محبت ورزید!

وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَادَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ

و ای روشنی چشم کسی که به تو پناه آورد، و از همگان بُرید و به‌سوی تو آمد!

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيءُونَ

تو نیکوکار و احسان‌کننده‌ای و ما بدکار و گنهکار!

فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَن قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ

پس ای پروردگار من، به خوبی و زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی‌های ما درگذر!

وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ

[بارالها!] و کدامین جهالت و بدکاری است که وسعت کرم و جود تو نمی‌تواند آن را شامل شود؟!

أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ أَنْاتِكَ

و کدامین زمان بیشتر از صبر و مهلت توست؟!

وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ

و اعمال ما در برابر نعمت‌های تو چه ارزشی دارد؟!

وَ كَيْفَ نَسْتَكْتَرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ

و چگونه اعمال خود را در برابر کرم (بی‌منتهای) تو بسیار بدانیم؟!

بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ

بلکه چگونه عرصه بر گناهکاران تنگ شود، با وجود رحمتت که آنها را احاطه نموده است؟!

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

ای کسی که رحمتش بسیار وسیع است!

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشوده است!

فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي

پس قسم به عزتت ای آقای من

لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ

حتی اگر مرا از خود برانی، از درگهت به جایی نمی‌روم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از تملق و لابه‌گری به پیشگاهت دست برنمی‌دارم

لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

زیرا می‌دانم که تو اهل جود و کرم هستی

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ

و تو هر آنچه اراده کنی انجام می‌دهی

تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

عذاب می‌کنی هر کس را که بخواهی،

به هر مقدار که بخواهی، به هر کیفیت که اراده کنی

وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

و رحم می‌کنی بر هر کس که بخواهی،

به هر مقدار که بخواهی، به هر کیفیت که اراده کنی

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

از آنچه می‌کنی بازخواست نمی‌شوی

وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ

و در ملک و پادشاهی منازع و رقیبی نداری

وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ

و در امرت شریکی نداری

وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و در حکم و فرمانت مخالفی نداری

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ

و در تدبیر امور احدی نتواند با تو معارضه کند

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

عالم خلق و عالم امر (ملکوت) هر دو در دست توست

تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پاک و مقدس است خدایی که پروردگار عالمیان است.

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَادَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ

پروردگارا، این جایگاه کسی است که به تو پناه آورده است،

و به لطف و کرامت پناهنده گشته

وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَتِكَ

و با احسان و نعمت‌های تو خو گرفته است

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ

و تو آن سخاوتمندی هستی که عفو و بخشش کم نیاید

وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

و فضل تو کاهش نیابد

وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و رحمت کم نگردد

وَقَدْ تَوَقَّفْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

و همانا ما به عفو و بخشش قدیم تو وثوق پیدا کرده و چنگ زده‌ایم

وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و به فضل عظیم و رحمت واسعات.

أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا

پس ای پروردگار من،

آیا ممکن است که برخلاف حسن ظنی که به تو داریم رفتار کنی؟!

أَوْ تُخَيِّبُ آمَانَنَا

یا آرزوهای ما را ناامید سازی؟!

كَلَّا يَا كَرِيمُ

هرگز! ای [خدای] کریم!

فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ

که چنین گمانی به تو نمی‌بریم

وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا

و چنین توقع و انتظاری از تو نداریم

يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا

پروردگارا، ما به حضرتت آمال و آرزوی دراز داریم

إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

و ما به پیشگاه تو امید بسیار داریم

عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا

از تو نافرمانی کردیم، ولی امید داریم که بر ما پرده‌پوشی کنی و ببخشایی

وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا

و تو را خواندیم و امید داریم که ما را اجابت نمایی

فَحَقِّقِ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا

پس ای مولای ما، امیدمان را محقق ساز!

فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا

زیرا با این اعمال تحقیقاً خود می‌دانیم که سزاوار چه هستیم

وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

ولیکن علم تو به احوال ما

و علم ما به اینکه ما را از درگاهت ناامید بر نمی‌گردانی،

وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

هرچند مستوجب و سزاوار رحمت تو نبودیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُنْذِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

چرا که تو سزاوار آنی که با فضل بی‌انتهایت بر ما و بر گنهکاران جود نمایی

فَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا

پس به آنچه تو سزاوار آنی بر ما منت بگذار و بر ما جود نما

فَاتَا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ

زیرا ما به عطای تو محتاجیم

يَا عَفَاؤُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا

ای آمرزنده، ما به وسیله نور تو هدایت شدیم

وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا

و به وسیله فضل تو بی‌نیاز گشتیم

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا

و با نعمت تو روز و شب را گذرانیدیم

دُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

گناهان ما پیش روی توست

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ

خداوندا، از گناهانمان از تو پوزش می طلبیم و به درگاہت توبه می کنیم

تَتَّحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

با نعمت های خود با ما محبت می ورزی ولی در عوض،

ما با گناه پاسخ می دهیم

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

از تو به سوی ما خیر و برکت نازل می شود

و از ما به سوی تو شر و بدکرداری بالا می رود

وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ

همواره فرشته ای ارجمند کارهای زشت ما را برای تو می آورد

فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ

ولی تمام اینها مانع نمی شود که ما را غرق نعمت های خویش نمایی

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِنِّكَ

و با عطای خویش بر ما تفضل نمایی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ

پس چقدر منزّه و پاکی، و چقدر بردبار و چقدر بزرگی!

وَأَكْرَمَكَ مُبْدِنًا وَمُعِيدًا

و چقدر کریمی! هم در آغاز ابتدا به نیکی نمودی و هم به لطف و کرامت باز می گردی و مدد می نمایی

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

پاک و مقدس است نام های تو

وَجَلَّ شَأْنُكَ

و جلیل و بزرگ است ستایش تو

وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ

و نیکو و ارجمند است آثار و افعال تو

أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا

ای خدای من! فضل و وسیع تر و بردباری ات عظیم تر از آن است

مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي

که مرا به کردار و خطاهایم بسنجی!

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ

مرا ببخش، مرا ببخش، مرا ببخش!

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

آقای من، آقای من، آقای من!

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

خداوندا، ما را به یاد خودت مشغول کن

وَأَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ

و از خشمت پناهمان ده

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ

و از عذابت در امانمان بدار

وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ

و از موهبت‌های خود ما را روزی بده

وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل خویش بر ما انعام نما

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و زیارت و حجّ خانهات و زیارت قبر پیغمبرت را روزی ما کن

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

صلوات و رحمت و مغفرت و رضوان تو بر او و بر اهل بیت او باد

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

که تو نزدیکی و اجابت می‌نمایی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ

و عمل به طاعت خود را روزی ما فرما

وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ

و ما را بر آیین خود بمیران

وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و بر سنت پیغمبرت صلی الله علیه و آله از این دنیا ببر.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

خداوندا، مرا ببخش و پدر و مادرم را بیامرز

وَارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و بر آنان رحم نما، همان گونه که در کودکی مرا پرورش دادند

إِجْرَهُمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا

احسانشان را با احسان و نیکی پاداش بده

وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا

و بدی‌هایشان را با مغفرت خویش پاسخ ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خداوندا، مؤمنین و مؤمنات را بیامرز

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

زندگان آنان و مردگانشان را

وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم بِالْخَيْرَاتِ

با خیراتمان بین ما و ایشان پیوند قرار بده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيَاتِنَا وَمَمَاتِنَا

خداوندا بیامرز زنده‌ها و مُرده‌های ما را

وَسَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا

و حاضران و غایبان ما را

ذَكْرِنَا وَأُنثَانَا

مردان و زنان ما را

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا

کوچک و بزرگمان را

حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا

آزاد و بنده ما را

كَذَّبِ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ

دروغ گفته‌اند آنان که برای خدا عدل و نظیری قائل‌اند

وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

و در گمراهی دُورودرازی گرفتار شده‌اند

وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا

و دچار خسارتی آشکار گشته‌اند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا! درود بی‌پایان خود را بر محمد و آل محمد بفرست

وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ

و عاقبت امر مرا ختم به خیر کن

وَإِكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

و تمام امر مهم دنیا و آخرت مرا خودت متکفل شو

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مساز

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً

و بر من از سوی خود نگهدارنده‌ای همیشگی قرار ده

وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و نعمت‌های صالحی را که به من دادی از من بگیر

وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

و از فضل خود به من رزق واسع و حلال و پاکیزه، روزی فرما

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ

خداوندا! با پاسداری خود از من مراقبت کن

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

و در سایه حفظ خویش، مرا محافظت فرما

وَاجْلَانِي بِجَلَاءَتِكَ

و مرا در پناه حمایت خود درآور

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و زیارت و حج خانهات را روزی ام کن

فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

در این سال و در هر سالی که در پیش دارم

وَزِيَارَةَ قَبْرِ بِيغْمَبِرْتِ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و بر زیارت قبر بیغمبرت و ائمه علیهم السلام موقف فرما

وَلَا تُخَلِّنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

بار پروردگارا، و مرا از آن مشاهد مشرفه و اماکن ارجمند محروم و بی نصیب نگردان

اللَّهُمَّ ثُبِّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أُعْصِيكَ

خداوندا به من توبه‌ای عطا کن که دیگر هرگز مرتکب معصیت تو نشوم

وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ

و در شب و روز، خیر و عمل به خیر را به من الهام کن

وَخَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي

و ترس از تو را به من الهام فرما، تا آن زمان که مرا زنده می‌داری

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای که تمام عالمیان تحت تربیت تو هستند

اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

خداوندا، مرا چه شده که هرگاه با خود می‌گویم: «اکنون آماده و مهیا گشته‌ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ

و بر آنم که در پیشگاه تو به نماز ایستم و با تو به رازونیاز بپردازم»،

أَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ

چون به نماز ایستادم، خواب را بر من چیره کردی؟

وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

و چون به رازونیاز با تو پرداختم، حال مناجات را از من گرفتی؟

مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي

مرا چه شده که هر وقت با خود گفتم: «[الحمد لله] باطنم صالح و شایسته شده

وَقَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي

و به جایگاه توبه کنندگان نزدیک شده‌ام،»

عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي

برای من ابتلائی پیش می‌آید که پایم را می‌لغزاند

وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

و مرا از خدمت به تو مانع می‌شود؟

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي

سرورم! نمی‌دانم، شاید مرا از درگاه لطف خود رانده‌ای!

وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي

و از خدمت و بندگی ات برکنارم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي

یا شاید دیده‌ای که من حق تو را سبک شمرده‌ام، پس مرا از خویش دور ساخته‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي

یا که شاید مرا از خودت روی گردان دیدی، پس مرا مبعوض و دشمن داشتی

أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي

یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی، پس مرا طرد نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَانِكَ فَحَرَمْتَنِي

یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی، پس محروم ساختی!

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

یا که شاید مرا در مجالس علما نیافتی، پس مرا ذلیل و خوار نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

یا شاید مرا در زمره غافلان دیدی پس از رحمت خویش ناامیدم کردی!

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيْتَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي

یا شاید مرا دمخور مجالس هرزگان دیدی، پس مرا با آنان وا گذاشتی!

أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي

و یا شاید دوست نداری دعای مرا بشنوی، پس مرا از خود دور نمودی!

أَوْ لَعَلَّكَ بَجُرْمِي وَجَرِيْرَتِي كَافَيْتَنِي

یا شاید به خاطر جرم و گناهم مکافاتم کرده‌ای!

أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَارَيْتَنِي

یا به سبب بی‌حیایی ام نسبت به تو مجازاتم نموده‌ای!

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُدْبِئِينَ قَبْلِي

حال اگر بر من گناهانم را ببخشایی، [این عفو تو همیشه بوده] و چه بسیار که گنهکاران پیش از من را

نیز بخشیده‌ای

لَإِنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

زیرا کرمت — ای پروردگار من — از عقوبت اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است

وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و من به فضل و کرمت پناه می‌برم و از تو به‌سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و تو وعده داده‌ای که از آنان که به تو گمان نیکو دارند درگذری، و من به این وعده‌ات باورمندم و چشم

انتظار تحقق آن هستم.

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِعَمَلِي

بارالها! فضل و کرمت وسیع‌تر است و بردباری تو والاتر و بزرگ‌تر از آن است که مرا به عملم بگیری و

به کردارم بسنجی!

أَوْ أَنْ تَسْتَرْلِنِي بِخَطِيئَتِي

یا به‌خاطر خطایم بلغزانی!

وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي

آقای من! من چه هستم؟! و چه اهمیتی و ارزشی دارم؟! [که من هیچم به حساب نمی‌آیم!]

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي

سرور من! به فضل و کرم خویش مرا ببخش!

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و با عفو تو بر من تصدق نما و منت گذار!

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ

و با پرده عفو تو [عیب‌های] مرا بپوشان!

وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و به روی با کرامت و سیمای با جلال و جمالت، از توبیخ من درگذر!

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ

سرورم! من آن کوچکی هستم که پرورش دادی

وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

و من آن نادانی هستم که تو علمش آموختی

وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ

و من آن گمراهی هستم که هدایتش نمودی

وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ

و من آن پستی هستم که تو او را رفعت بخشیدی

وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ

و من آن ترسانی هستم که او را امنیت و آرامش بخشیدی

وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ

و آن گرسنه‌ای هستم که تو سیرش نمودی

وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ

و آن تشنه‌ای هستم که تو سیرایش نمودی

وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ

و آن برهنه‌ای هستم که تو بر او لباس پوشانیدی

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ

و آن فقیری هستم که تو بی‌نیازش نمودی

وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ

و آن ناتوانی هستم که تو او را نیرو بخشیدی

وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّيْتَهُ

و آن خوار و ذلیلی هستم که تو عزت‌ش دادی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ

و آن بیماری هستم که تو شفایش بخشیدی

وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ

و آن گدایی هستم که تو عطایش بخشیدی

وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ

و آن گناهکاری هستم که تو بر او پرده‌پوشی نمودی

وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلَّتَهُ

و آن خطاکاری هستم که تو از او درگذشتی

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ

و آن کمی هستم که تو زیادش نمودی

وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ

و آن مستضعف و مغلوبی هستم که تو نصرت بخشیدی و یاری نمودی

وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتَهُ

و آن رانده‌شده و آواره‌ای هستم که تو پناهِش دادی

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ

پروردگارا، من آن کسی هستم که در خلوت و تنهایی از تو شرم نکردم

وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ

و در آشکارا و منظر دیگران تو را ملاحظه نمودم و حَقَّت را رعایت نکردم

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى

منم صاحب مصیبت‌های بزرگ

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى

منم آن کسی که بر آقای خود جرئت و جسارت نموده است

أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ

منم آن که پادشاه آسمان را نافرمانی کردم

أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرِّشَا

منم آن که برای نافرمانی خدای جلیل، رشوه‌ها دادم

أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

منم آن که چون مرا به معصیتی مژده دادند، بی‌درنگ به‌سویش شتافتم

أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْ عَوَيْتُ

منم آن کسی که مهلتم دادی ولی از کردارم دست نکشیدم

وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ

و بر گناهم پرده پوشاندی ولی شرم نکردم

وَعَمَلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ

و مرتکب گناه شدم و از حد گذراندم

وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ

و [به‌واسطه این گناهان] مرا از چشمت انداختی با این حال باکی نداشتم

فَجِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي

ولی تو با بردباری‌ات مهلتم دادی

وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ أَعْفَلْتَنِي

و با ستاریت خود پوشاندی، تا آنجا که گویی از من غافل شده‌ای!

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

و مرا از کیفر گناهان معاف داشتی تا آنجا که گویی تو از من حیا کرده‌ای!

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاذِدٌ

ایلهی، آنگاه که معصیت کردم از روی انکار خداوندی‌ات نافرمانی‌ات نکردم

وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخْفٍ

و از روی استخفاف و سبک‌شمردن امرت نیز گناه نکردم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ

و نیز نمی‌خواستم [با جرئت] در مقابل عقوبتت سینه سپر کنم

وَلَا لِوَعْدِكَ مُتَهَاوِنٌ

و نیز نمی‌خواستم وعده مجازاتت را کوچک بشمارم

لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

ولیکن آنچه کردم خطایی بود که از من سرزد

وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي

و نفسم آن را برایم آراست

وَعَلَبَنِي هَوَايَ

و هوای نفسم بر من غلبه کرد

وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي

و شقاوت و بدبختی‌ام نیز بر آن گناهان یاری نمود

وَعَزَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَيَّ

و پرده‌پوشی همیشگی تو نیز مرا فریفت

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي

هرآینه من با تمام توان نافرمانی و مخالفت تو کردم

فَأَلَانَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْفِذُنِي

پس با این حال چه کسی مرا از عذاب تو می‌رهاند!؟

وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مِنْ يُخَلِّصُنِي

و فردا چه کسی مرا از دست ستیزه‌جویان و دشمنان خلاصی می‌دهد!؟

وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَلَيَّ

و اگر تو ریسمان خویش را از من بُریدی، به ریسمان چه کسی چنگ بزنم؟

فَوَاسِوَاتِنَا عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي

پس چه رسوایی‌ای! از آنچه کتاب تو از اعمالم نوشته و برشمرده است

الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ

آن اعمالی که اگر امید به کرم و سعه رحمت تو نداشتم و مرا از ناامیدی نهی نکرده بودی،

لَقَنْطَطُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا

هرگاه یاد آن‌ها می‌افتادم ناامید می‌شدم

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

ای بهترین کسی که دعاکننده‌ای او را می‌خواند

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و ای برترین کسی که امیدواری به او امید می‌بندد

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

خداوندا، به پناه اسلام به سوی تو متوسل می‌شوم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ

و به حرمت قرآن به سوی تو اعتماد می‌کنم

وَبِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التِّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ

و به محبتم نسبت به پیامبر مکتب نرفته و درس نخوانده که از قریش و بنی هاشم و عرب است و از تهامه و مکه و مدینه است،

أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

[به حق این چنین پیامبری] امید دارم که به تو نزدیک شوم

فَلَا تُوحِشِ اسْتِنْسَانَ إِيْمَانِي

پس [لطف نما و] انس مرا که به جهت ایمانم به توست، به وحشت مبدل مساز

وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبْدَ سِوَاكَ

ثواب و مزد مرا مانند مزد کسی که غیر تو را عبادت کرده است قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْفَتُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَدْرَكُوا مَا أَمَلُوا

چه اینکه گروهی به زبان ایمان آوردند تا جان خویش را حفظ نمایند، پس به آرزویشان رسیدند

وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِأَلْسِنَتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنَّا

ولی ما با زبان و قلب هایمان به تو ایمان آوردیم تا مورد عفو و بخشش تو قرار گیریم

فَأَدْرِكُنَا مَا أَمَلْنَا

پس ما را به آرزویمان برسان

وَتَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا

و امید به خودت را در سینه هایمان مستحکم و استوار فرما

وَلَا تُزِعْ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

و دل هایمان را پس از آنکه هدایتمان نمودی منحرف مساز

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و از ناحیه خود رحمتی به ما عنایت فرما

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

که آن بخشایشگر بی حد همانا تو هستی

فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ

که قسم به عزتت اگر هم مرا از در لطف خویش برانی هرگز از درگاهت به جایی نمی روم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

و از لابه و التماس تو دست برنمی دارم

لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

چرا که معرفت به کرمیت و وسعت رحمتت بر قلبم الهام شده

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ

[آری،] بنده جز به درگاه مولایش به کجا رود؟!]

وَالِى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ

و مخلوق جز که به خالق خود به کجا پناه برد؟!]

إِلَهِي لَوْ فَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ

الهی، اگر مرا به بند کِشی

وَمَنْعَتِي سَبِيكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ

و از میان حاضران [عرصهٔ قیامت] عطای خویش را از من دریغ داری،

وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فُضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ

و رسوایی‌هایم را در برابر چشمان بندگان عیان سازی،

وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ

و فرمان دهی که مرا به آتش ببرند،

وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ

و میان من و نیکوان جدایی اندازی،

مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ

باز هم امیدم را از تو نخواهم بُرید

وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ

و از امید عفو و بخشش منصرف نخواهم شد

وَلَا حَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

و محبتت از دلم بیرون نخواهد شد

أَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي

[ای خدای من،] هرگز الطاف تو را فراموش نخواهم کرد

وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا

و پرده‌پوشی‌ات در دار دنیا نسبت به من را هرگز از یاد نخواهم بُرد.

سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

ای آقای من، محبت دنیا را از دلم بیرون نما

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و میان من و مصطفیٰ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که برگزیدهٔ آفریدگان تو،

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و خاتم پیامبران است و خاندان او جمع نما

وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

و مرا به درجه و مقام اهل توبهٔ به درگاہت برسان

وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي

و مرا بر گریه کردن بر حال خود یاری فرما

فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي

زیرا من عمرم را با امروز و فردا کردن و با آرزوها [ی باطل] نابود ساختم

وَقَدْ نَزَلَتْ مَنْزِلَةَ الْإِيسِينَ مِنْ حَيْرِي

و اکنون به جایی رسیده‌ام که دیگر از خیر خودم ناامید شده‌ام

فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي

پس حال و روز چه کسی از من بدتر است،

إِن أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ

اگر من با چنین حالی به قبرم وارد شوم؟!

لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَفْدَتِي

[قبری که] آن را برای خواب [ابدی‌ام] مهیا ننموده‌ام!

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي

و برای آرمیدنم فرشی از عمل صالح در آن نگسترده‌ام!

وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أُدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي

و چگونه گریه نکنم در حالی که نمی‌دانم عاقبتم چگونه است و به کجا می‌روم؟!

وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي

و در حالی که می‌بینم که نفسم هر دم برای فریب‌دادنم در تلاش است

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي

و روزگار همواره در کمین نیرنگ من است

وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و مرگ [همچون کرکسی] برفراز سرم در پرواز است

فَمَالِي لَا أَبْكِي

پس چرا گریه سر ندهم؟!

أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي

گریه کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي

گریه کنم بر تاریکی قبرم

أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي

گریه کنم برای تنگی لحدم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ

گریه کنم برای سؤالی که مُنکر و نکییر از من می‌کنند

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَرِياناً دَلِيلاً حَامِلاً ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي

گریه کنم بر اینکه برهنه و ذلیل از قبرم بیرون آمده‌ام و بار سنگین اعمالم را بر پشت دارم

أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنِ شِمَالِي

گاهی به جانب راست خود می‌نگرم و گاهی به جانب چپم

إِذِ الْخَلَائِقِ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي

آن گاه که خلاق هر کسی به کار خویش مشغول است

﴿لِكُلِّ امْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ﴾

«هر کسی را در آن گرفتاری و کاری است که او را بس است»

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ *﴾

«بعضی چهره‌ها [در آن روز] درخشان و نورانی است و خندان و خوشحال!»

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * ترهقها قتره﴾ **وَذِلَّةٌ**

«و چهره‌هایی نیز غبار [تیره‌بختی] بر آنها نشسته و آنها را سیاهی [و ذلت] در بر گرفته است!»

سَيِّدِي عَلَيْنِكَ مَعُولِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي

ای آقای من، اعتماد و تکیه من و امید و توکلم بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و دست‌آویز من رحمت توست

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ

که تو هر کس را بخواهی مشمول رحمت خود می‌گردانی

وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

و هر که را دوست داری به کرامت و بزرگی خود هدایت می‌کنی

فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ مِنَ الشَّرِّكَ قَلْبِي

پس ستایش مخصوص توست که قلبم را از شرک پاک نمودی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي

و ستایش مخصوص توست بر گشودن زبانم

أَفْئِلْسَانِي هَذَا الْكَاِلَ أَشْكُرُكَ

پس آیا با این زبان الکنم شکر تو را به جای آورم؟!

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ

و یا با نهایت توانم در عمل، خشنودی تو را به دست آورم؟!

وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ

که زبانم در مقابل شکر تو چه ارزشی دارد؟! [که زبانم کمتر از آن است که شکر تو را به جا آورد]

وَمَا قَدْرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ

و عملم در مقابل نعمت و احسان تو چه ارزشی دارد؟! [که تلاش و عمل من کمتر از آن است که در

مقابل نعمت و احسان تو به شمار آید]

إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي

الهی، جود و کرم تو [توقع و] امیدم را بالا برده

وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي

و همانا قدرشناسی توست که عمل [ناچیز] مرا پذیرفته است

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي

ای آقای من، میلم به سوی توست

وَالْيَكْ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي

و ترسم از توست و امیدم به تو

وَقَدْ سَأَقْتِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و همانا امید مرا به درگاه تو کشانده

وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفَتُ هَمَّتِي

و همتم رَحَل اقامت مرا به آستان تو نشانده، ای یگانه [مقصود] من!

وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي

و میلم به آنچه نزد توست فزونی یافت

وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و امید و ترس بدون شائبه‌ام همه برای توست

وَبِكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي

و محبتم به تو انس گرفته

وَالْيَكِ الْفَقِيْتُ بِيَدِي

و به سوی تو دست [امید] خویش گشودهام

وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

و به سوی طاعتت [دست] هراس خویش درآویختم

يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي

ای مولای من، تنها به ذکر تو قلبم زنده است

وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي

و با مناجات با تو درد ترس و هراس خود را تسکین داده‌ام

فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي

پس ای مولای من و ای آرزوی من و ای نهایت خواسته‌ام

فَرَّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي

بین من و گناهم جدایی افکن

الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ

گناهی که مرا از پایبندی طاعتت باز می‌دارد

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ

که همانا درخواست من از تو تنها به‌خاطر امید دیرینه‌ام به توست

وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ

و طمع بزرگی است که از تو داشته‌ام

الَّذِي أُوجِبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

[طمع داشته‌ام] آن رحمت و رأفتی را که تو خودت بر خویشتن واجب نمودی

فَالأَمْرُ لَكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس امر و فرمان از آن توست، یگانه‌ای و شریکی نداری

وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ

و خلائق همه عیال و جیره‌خوار تو و در قبضه قدرت تو‌اند

وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ

و تمام موجودات در برابر تو خضوع و کرنش نموده‌اند

تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بسیار بلندمرتبه و مبارکی ای پروردگار عالمیان

إِلَهِي اِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي

الهی، بر من رحم کن در آن زمانی که دیگر دلیل و عذری ندارم

وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي

و زبانی از پاسخت در مانده و ناتوان گردد

وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ نُبِي

و چون از من سؤال کنی، هوش از سرم برود

فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي

پس ای امید بزرگ من

لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

آنگاه که فقر و بیچارگی ام شدت گیرد، ناامیدم مکن

وَلَا تُرِدْنِي لِجَهْلِي

و به خاطر جهالت من مرا از درگاهت مران

وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي

و به خاطر کم‌طاقتی ام [در تحمل مشکلات راحت] از ورود من [به آستانه لطف] جلوگیری نکن

أَعْطِنِي لِفَقْرِي

به خاطر تهی‌دستی ام به من عطا کن

وَإِرْحَمْنِي لِضَعْفِي

و به لحاظ ناتوانی ام بر من ترحم کن

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي

ای آقای من، اعتماد و تکیه من و امید و توکلم فقط بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و دست‌آویز من رحمت توست

وَبِفَنَائِكَ أَحْطُّ رَحْلِي

و بار خود را فقط به آستان تو فرود می‌آورم

وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي

و با تمسک به جود تو، به‌سوی مطلوب خود می‌روم

وَبِكْرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي

و ای پروردگار من، با تکیه بر کرم و بزرگی تو، دعا و درخواستم را شروع می‌کنم

وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِنِي

و امید دارم تنگدستی‌ام را نزد تو برطرف سازم

وَبِعِغْنَاكَ أَجْبِرُ عَيْلَتِي

و با توانگری و بی‌نیازی تو، نیازمندی‌ام را جبران می‌کنم

وَتَحْتِ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي

و در سایه عفو تو می‌ایستم

وَالِي جُودِكَ وَكْرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي

و به‌سوی جود و کرم تو چشم دارم

وَالِي مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي

و همواره به احسان تو می‌نگرم و چشم برنمی‌دارم

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي

پس مرا به آتش مسوزان که تو محل آرزوی منی

وَلَا تُسَكِّنِي الْهَوَايَةَ فَإِنَّكَ فُرَّةُ عَيْنِي

و مرا در دوزخ جای نده که تو روشنی چشم منی

يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ

ای آقای من، خوش‌گمانی مرا به احسان و نیکی‌ات از بین نبر و مرا ناامید مکن

فَإِنَّكَ تَقْتِنِي

زیرا تو محل اعتماد منی

وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابِكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي

و مرا از ثواب خودت محروم مکن که تو، به نداری‌ام آگاهی

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي

الهی، اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده،

فَقَدْ جَعَلْتَ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ

پس همانا اعتراف به گناهانم را وسیله و عذری برای خودم قرارداده‌ام

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ

الهی، اگر تو عفو کنی، چه کسی از تو به عفو و بخشش سزاوارتر است؟!

وَإِنْ عَذَبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ

و اگر عذاب کنی، چه کسی در داوری از تو عادل تر است؟!

ارْحَمَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي

در این دنیا بر غربت و تنهایی ام رحم کن

وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي

و در هنگام مرگ بر گرفتاری ام ترحم نما

وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي

و در قبر بر تنهایی ام

وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي

و در لحد بر غربت و هراسم

وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْفِي

و آن زمان که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم

به آن جایگاه ذلیلانه و عاجزانه ای که دارم رحم کن

وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ مِنَ عَمَلِي

و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز

وَأَدِّمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي

و آن پرده ای را که بر اعمال و گناهانم انداختی، ادامه بده

وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تَقْلِبْنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي

و بر من ترحم کن آنگاه که جسم بی جانم بر زمین افتاده و دستان عزیزان، مرا این طرف و آن طرف

[جابه جا] می کند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبْنِي صَالِحُ جِيرَتِي

و بر من تفضل کن در آن زمان که جسمم در غسل خانه دراز است و همسایگان صالح مرا زیر و رو

می کنند

وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي

و بر من مهربان نما آن گاه که نزدیکان اطراف جنازه ام را گرفته و بر دوش می کشند

وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي

و بر من کرم نما آن زمان که مرا می برند و یکه و تنها در حفره قبرم نزد تو می آیم

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي

و در این خانه جدیدم بر غربتم رحم کن

حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

تا آنکه به غیر تو انس نگیرم

يَا سَيِّدِي إِنَّ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ

ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می‌شوم

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تَقْلِنِي عَثْرَتِي

آقای من، اگر تو از لغزشم نگذری، به چه کسی استغاثه کنم و از که کمک بگیرم؟!؟

فَالِي مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَدَدْتُ عَنَّاكَ فِي ضَجْعَتِي

و اگر در آرامگاهم از عنایت تو محروم باشم، به سوی که بگریزم؟!؟

وَالِي مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تَنْقُسْ كُرْبَتِي

و اگر تو مرا از غم و اندوهم رهایی ندهی، به چه کسی پناه برم؟!؟

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي

ای آقای من، اگر تو به من رحم نکنی، من که را دارم و چه کسی بر من رحم خواهد کرد؟!؟

وَفَضْلَ مَنْ أُوْمَلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي

و اگر در روز تنگدستی‌ام از فضل و احسان تو محروم باشم، دیگر به فضل چه کسی امید بیندم؟!؟

وَالِي مِنَ الْفِرَارِ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي

و اگر مهلتم سر رسیده و اجلم فرا برسد، پس از گناهانم به سوی که بگریزم؟!؟

سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ

آقای من، در حالی که من فقط به تو امید دارم، مرا عذاب نکن!

إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي

الهی، امیدم را محقق کن و ترسم را ایمنی ده

فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ

که گناهانم بسیار است و امیدی جز عفو و بخشش تو ندارم

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ

آقای من، از تو چیزی را درخواست می‌کنم که شایستگی‌اش را ندارم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

و تو اهلیت داری که بندگان را در عصمت خود درآوری و اهل غفران و بخششی

فَاعْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثُوبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّيْبَاتِ

پس مرا بیامرزد و از نظر رحمتت بر من لباسی بپوشان که گناهان و عواقبش را بپوشاند

وَتَعْفُرْهَا لِي وَلَا أَطَالِبُ بِهَا

که آنها را بیامرزی و من نسبت به آنها بازخواست نشوم

إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوَزٍ كَرِيمٍ

که منت و لطف تو دیرینه است، و چشم‌پوشی‌ات عظیم و گذشت تو کریمانه

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَبِيحَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ

خدایا، تو همان کسی هستی که فیض و عطای خود را حتی بر آن کسی که از تو درخواست نمی‌کند

وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و حتی آن کسی را که مُنکر ربوبیت و خدایی توست [مورد لطف خود قرار می دهی]

فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ

پس ای آقای من، چگونه باشد حال آن کسی که از تو درخواست کرده،

وَأَيَقَنَنَّ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ

و یقین دارد که خَلق به دست تو و امر همگان به سوی توست!؟

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بس مبارک و بلندمرتبه ای ای پروردگار عالمیان

سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ

ای آقای من، بنده ات به درگاهت ایستاده

أَقَامْتَهُ الْخُصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

[بنده ای که] فقر و تنگدستی او را به درگاه تو آورده

يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

با دعایش بر در احسان تو می کوبد

فَلَا تُعْرِضْ بوجْهِكَ الْكَرِيمَ عَنِّي

پس تو هم روی کریمت را از من برنگردان

وَأَقْبِلْ مِنِّي مَا أَقُولُ

و آنچه می گویم [و از تو می خواهم] قبول کن

فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ

زیرا من در حالی آمدم و دعا می کنم که امید دارم

وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تَرُدَّنِي

امید دارم که مرا برنگردانی

مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

زیرا رأفت تو را می شناسم و به رحمتت معرفت دارم

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ

الهی، تو آن خدایی هستی که هیچ درخواست کننده ای [و هیچ خواهشی] تو را درمانده نمی سازد

وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ

و هیچ عطا گیرنده ای از تو نمی کاهد

أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

تو چنانی که خود می گویی و بالاتر از آنی که ما می گوئیم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا

بارالها! من از تو صبری جمیل و نیکو می خواهم

وَفَرَجًا قَرِيبًا

و گشایشی نزدیک [می خواهم]

وَقَوْلًا صَادِقًا

و گفتاری صادق [می خواهم]

وَأَجْرًا عَظِيمًا

و جزایی عظیم [می خواهم]

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ

پروردگارا، تمام خیر و خوبی ها را از تو درخواست می کنم

مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

چه آن خیر را بشناسم یا نشناسم

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

بارالها! از تو درخواست می کنم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته ات از تو خواسته اند

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ

ای بهترین کسی که از او درخواست می شود

أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي

خواسته ام را در حق خودم و خانواده ام به من عطا کن

وَالْوَالِدِيَّ وَوَلَدِي وَأَهْلِي حَزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

و نیز در حق پدر و مادر و فرزندانم و خاصان و برادران دینی ام به من عطا فرما

وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مُرُوتِي

و زندگی ام را گوارا کن و جوانمردی ام را آشکار ساز

وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي

و همه احوالم را اصلاح فرما

وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمْرُهُ

و مرا از جمله آنان قرار بده که عمرشان را طولانی کردی

وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ

و عملشان را نیکو گردانیدی

وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

و نعمتت را بر آنان تمام نمودی

وَرَضِيَتْ عَنْهُ

و از ایشان راضی و خشنود گشتی

وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

و آنان را با زندگانی طیب و پاک زنده گردانیدی

فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ

زندگی ای در بادوام‌ترین خوشی‌ها

وَأَسْبَغِ الْكِرَامَةَ

و با فراوان‌ترین کرامت و تفضل‌ها

وَأَتَمِّ الْعَيْشِ

و با کامل‌ترین زندگی‌ها و خوشی‌ها

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

که تو هر چه بخواهی انجام می‌دهی

وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

و غیر تو هر کاری بخواهد نمی‌تواند انجام دهد

اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

بارالها! مرا از زمره خاصان برای ذکر و یادت قرار بده

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

و هیچ کاری را که در اوقات شب و روز برای تقرب به تو انجام می‌دهم،

رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرَأً وَلَا بَطْراً

برای ریا و شهرت و تفریح و تفرُّج قرار نده

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

و مرا از خاکساران درگاہت بگردان

اللَّهُمَّ أَعْظِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ

بارالها! گشایش در روزی و امنیت در وطن را به من عطا فرما

وَقَرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ

و اهل و مال و فرزند را مایه روشنی چشمم قرار بده

وَالْمُقَامِ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي

و نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشتی پایدار گردان

وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و تندرستی جسم و توانمندی در بدن و سلامت در دین را به من ارزانی فرما

وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

و مرا همواره و تا زمانی که مرا عمر بخشیدی به طاعت خویش و طاعت رسولت محمد

صلی‌الله‌علیه و آله عامل گردان

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً

و مرا از پُربهره‌ترین بندگان نزد خودت قرار بده

فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتَنْزِيلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

پُرْبَهْرَه تَر دَر هَر خَيْرِي كَه دَر مَاه رَمَضَانَ دَر شَب قَدْر نَازِل كَرْدَه وَ مِي كَنِي

وَمَا أَنْتَ مُنْزَلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ

وَ هَر خَيْرِي كَه دَر هَر سَالَ نَازِل خَوَاصِي كَرْد

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

پُرْبَهْرَه اَز رَحْمَتِي كَه مِي گَسْتَرَانِي

وَ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

وَ لِبَاسِ عَافِيَتِي كَه [بَر بَنَدگَانَت] مِي پُوشَانِي

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا

وَ بَلَاهَيِي كَه بَر طَرَف مِي سَازِي

وَ حَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

وَ كَارِهَای خُوبِي كَه [اَز بَنَدگَان] قَبُول مِي كَنِي

وَ سَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

وَ كَارِهَای زَشْتِي كَه اَز أَنِهَای دَر مِي گَذَرِي

وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

وَ حَجَّ خَانَهٗ مَقْدَسِ خُود رَا رُوزِي مَن قَرَار بَدَه

فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ

دَر اَيْن سَالَ وَ دَر هَر سَالَ

وَ ارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ

وَ اَز فَضْلِ بِي حَدِّ خُود رُوزِي فَرَاخ بَه مَن اَرزَانِي دَه

وَ اصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ

وَ بَدِي هَا رَا — اِي آقَاي مَن — اَز مَن بَر گَرْدَان

وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ الظُّلَمَاتِ

وَ بَدَهِي مَرَا بِيرْدَاز وَ جَبْرَانَ سَتَم هَايِي رَا كَه بَر عَهْدَهٗ مَن اَسْت، بَنَمَا

حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ

تَا اَز نَاحِيَهٗ هِيچ يَك اَز أَنِهَای اذِيَتِ نَشُوم وَ صَدْمَهٗ نَبِيْنَم

وَ خُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَ أَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ

وَ چَشْم وَ گُوشِ دَشْمَنَانِ وَ حَسُودَانِ وَ ظَالِمَانِ مَرَا رَا اَز سَمْتِ مَن بَر گَرْدَان

وَ انصُرْنِي عَلَيْهِمْ

وَ مَرَا دَر بَرَابَر ايشَان يَارِي فَرَمَا

وَ اقْرِ عَيْنِي

وَ چَشْمَم رَا رُوشَن كَن

وَ فَرِّحْ قَلْبِي

و دلم را شادی بخش

وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً

و از غم و اندوه و گرفتاری‌ها، گشایش و راه خلاصی برای من قرار بده

وَاجْعَلْ مِنْ أَرْدَنِي بِسُوءِ مِنْ جَمِيعِ خُلُقِكَ تَحْتَ قَدَمِي

و آن‌کسی که قصد بدی نسبت به من داشته‌باشد زیر پایم قرار بده

وَاجْعَلْ شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي

و مرا از شرّ شیطان و شرّ سلطان و شرّ اعمال بدم محفوظ بدار

وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و از همه گناهان مرا پاک گردان

وَأَجْرني مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

و به عفو خویش از آتش دوزخ امانم بده

وَأَدْخِلْني الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به رحمت خویش مرا به بهشت وارد کن

وَرَوِّجْني مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

و مرا به فضل خویش از حورالعین تزویج بفرما

وَأَلْحِقْني بِأَوْلِيَانِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و مرا به اولیای شایسته‌ات، محمد و آل او ملحق گردان

الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

آنان که پاکیزه و طاهر و برگزیده‌اند

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

صلوات و درود تو بر ایشان و بر بدن‌ها و ارواح آنان باد

وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و رحمت و برکات خداوندی نیز بر ایشان باد

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ

ای معبود و ای آقای من، به عزت و جلال و عظمت قسم،

لَنْ طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

که اگر مرا به گناهانم بازخواست نمایی هرآینه از تو عفو و بخششت را مطالبه می‌کنم

وَلَنْ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

و اگر از من به فرومایگی‌ام مؤاخذه نمایی، هرآینه از تو کرم و بزرگی‌ات را مطالبه می‌نمایم

وَلَنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ

و اگر مرا به دوزخ اندازی هرآینه به اهل دوزخ خواهم گفت که تو را دوست دارم

إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ

ای معبود و ای آقای من، اگر تو جز اولیاء و دوستان و اهل طاعتت را نمی‌بخشی،

قَالِي مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ

پس گناهکاران به چه کسی پناه برند؟

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ

و اگر تو فقط اهل وفا را گرامی می‌داری،

فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ

پس بدکاران از چه کسی یاری طلبند؟

إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ

الهی، اگر مرا در دوزخ اندازی، دشمن تو شاد می‌شود

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ

و اگر مرا به بهشت ببری، پیامبر تو خرسند می‌گردد

وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ

و قسم به خدا می‌دانم که خرسندی پیامبرت از دلشادی دشمنت نزد تو محبوب‌تر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ

بارالها! از تو می‌خواهم که قلبم را از محبتت آکنده سازی

وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ

و از ترس و خشیت از تو و باور به کتابت لبریز گردانی

وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ

و از ایمان به تو و هراس از تو و اشتیاق به تو پُر کنی

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحب جلالت و لطف و عنایت

حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي

عشق دیدارت را در قلب من قرار بده و تو نیز دوستدار دیدار من باش

وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ

و برای من در لقای خویش، راحتی و گشایش و کرامت قرار بده

اللَّهُمَّ أَحِقِّنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى

بارالها! مرا به بندگان صالح در گذشته ملحق گردان

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ

و از زمره بندگان صالح بازمانده قرار بده

وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ

و مرا در راه بندگان صالحت پایدار گردان

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

و همان گونه که بندگان صالح را در برابر نفس اماره یاری می‌کنی، مرا نیز در برابر نفسم یاری فرما

وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

و کردارم را به بهترین وجه به سرانجام رسان

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

و به حق رحمتت، پاداش مرا از کردارم بهشت قرار بده

وَأَعِنِّي عَلَىٰ صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي

و یاری‌ام کن تا نعمت‌هایت را که بر من ارزانی داشتی، شایسته به کار بندم

وَتَبَيَّنْتَنِي يَا رَبِّ

بار پروردگارا، و مرا [در مسیرت] ثابت‌قدم و استوار گردان

وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِنْقَادَتِي مِنْهُ

و مرا به مهلکه‌ای که از آن نجات دادی باز مگردان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار عالمیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ

بارالها! همانا از تو ایمانی مسئلت دارم که آن را سرانجام و پایانی جز لقای تو نباشد

أَحِبِّي مَا أَحْبَبْتَنِي عَلَيْهِ

مرا تا زمانی زنده بدار که حیات من بر ایمان باشد

وَتَوْفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ

و جان مرا بستان، اگر جانم را بر همان ایمان می‌ستانی

وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ

و در قیامت از قبر محشور گردان، اگر بر ایمان محشور می‌گردانی

وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ

و قلبم را از ریا و شک و شهرت‌طلبی در دینت پاک گردان

حَتَّىٰ يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

تا تمام عملم بی‌هیچ شائبه‌ای خالص برای تو باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ

بارالها! بصیرت و بینشی عمیق در دینت به من عطا فرما

وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ

و ادراکی را در احکام و دستورات

وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ

و فهمی را در علمت

وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و بهره‌ای دوچندان از رحمت

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ

و تقوایی که مرا از معصیت‌ها و گناهان بازدارد

وَبَيِّضٌ وَجْهِي بِنُورِكَ

و رخسارم را به نور خودت سفید گردان

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ

و میل و رغبت مرا در آن چیزی که نزد توست قرار بده

وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و مرا در راه خودت و بر آیین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ

بارالها! به تو پناه می‌برم از تنبلی و از ضعف و سستی

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

و از هم و غم و از ترسان بودن و بخیل بودن

وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

و از غفلت و قسارت قلب

وَالْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ

و از بینوایی و فقر و فلاکت

وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

و از هر بلائی و از هر کار زشت آشکار و پنهانی

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ

و به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نمی‌شود

وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

و شکمی که سیر نمی‌گردد

وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

و قلبی که خاشع و فروتن نمی‌شود

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ

و دعایی که شنیده و مستجاب نمی‌شود

وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و عملی که سودی نمی‌دهد

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي

پروردگارا، و برای حفظ جان و دین و مالم

وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي

و هراًنچه روزی من فرمودی

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از شرّ شیطان رجیم به تو پناه می‌برم

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

که همانا تو شنوا و دانایی

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ

خداوندا، به درستی که احدی مرا از [قهر] تو پناه نمی‌دهد

وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُتَحَدًّا

و جز تو پناهگاهی نمی‌یابم

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ

پس نفسم را در هیچ موقعی از عذابت قرار نده

وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و در هیچ مهلکه و عذاب دردناکی می‌فکن

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

بارالها! عملم را بپذیر

وَأَعْلِ ذِكْرِي

و نام و یادم را بلند گردان

وَارْفَعْ دَرَجَتِي

و مرتبه‌ام را رفیع ساز

وَحُطِّ وَزْرِي

و وزر و سنگینی [گناهان و تعلقات] مرا بریز

وَلَا تُذَكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي

و مرا با خطا و اشتباهاتم به یاد نیاور

وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

و پاداش [به دعا] نشستتم و گفتار و دعای مرا خشنودیات و بهشت قرار بده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

پروردگارا، تمامی آنچه را از تو خواستم، به من عطا فرما

وَرُدَّنِي مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل و کرمت نیز بر آن بیفزا

إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

که من به سوی تو راغب و مشتاقم، ای پروردگار عالمیان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

بارها! همانا تو در کتابت بر ما امر خویش را نازل نمودی که از کسانی که بر ما ستم نموده‌اند درگذریم

وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا

و [اینک این ما هستیم که] بر خود ستم نموده‌ایم پس [تو نیز] از ما درگذر

فَاتِّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا

که تو از ما، بدان سزاوارتری که چنین کنی

وَأَمَرْنَا أَنْ لَا تَرُدَّ سَائِلًا عَنَّا أَبْوَابَنَا

و فرمانمان دادی که سائلی را [دست‌خالی] از درِ خانه خود نرانیم

وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا

و من اینک سائل، به در خانه تو آمده‌ام

فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

پس مرا حاجت‌ناروا از درت برنگردان

وَأَمَرْنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا

و ما را فرمان دادی که در حق بردگانمان نیکی نماییم

وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتَقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

و [اینک] ما بندگان و بردگان تو هستیم، پس ما را از دوزخ برهان

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي

ای پناه من به وقت گرفتاری‌ام

وَيَا عَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای فریادرسم به وقت دشواری‌ها و سختی‌ام

إِلَيْكَ فَرَعْتُ

ترسان به سوی تو آمدم

وَبِكَ اسْتَعْتَيْتُ وَوَلَدْتُ

و از تو فریادرسی خواستم و به تو پناه آوردم

لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ

و به غیر تو پناه نمی‌برم

وَلَا أَطْلُبُ الْفَرْجَ إِلَّا مِنْكَ

و گشایش را از غیر تو درخواست نمی‌کنم

فَأَعْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي

پس به فریادم برس و در کارم گشایش قرار بده

يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ

ای خدایی که اسیر را آزاد می‌کند

وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

و از [گناه] بسیار درمی گذرد

إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ

از من [هم] عمل اندکم را بپذیر

وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ

و از گناه بسیارم درگذر

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

که تو بسیار مهربان و آمرزنده‌ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

بارالها! از تو ایمانی می خواهم که به وسیله آن قلبم را لمس نمایی

وَيَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي

و از تو یقینی راستین می خواهم تا بدانم که به من نمی رسد، جز آنچه تو برایم مقدر نموده‌ای

وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي

و مرا در زندگانی به آنچه قسمتم نمودی راضی گردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان.